

آزادی جولیای آسانژ دستاورد بشریت متمدن!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

وبسایت «ویکی‌لیکس»، افشاگر اسناد محرمانه و مخفی دولت‌های جهان، با انتشار پیامی در شبکه «ایکس» اعلام کرد که جولیای آسانژ بنیان‌گذار این وبسایت روز سه‌شنبه پس از ۱۴ سال از زندان «بلمارش» در لندن آزاد و انگلیس را به مقصد استرالیا و محل زندگی‌اش ترک کرد. ربودن آسانژ توسط دستگاه مخوف اطلاعات و جاسوسی دولت انگلستان، محکوم شدن به استرداد به آمریکا و ۱۷۵ سال زندان توسط دادگستری دولت آمریکا، طرح ترورش توسط سازمان سیا و در نهایت، سال‌ها محبوس ماندنش در سیاه‌چاله‌های زندان «بلمارش» تحت شدیدترین شکنجه‌های روحی و روانی، قادر نشد آسانژ بعنوان نماد یک جنبش جهانی علیه جنگ و میلیتاریسم دولت‌های غربی را در دادگاه این دولت‌ها به زانو درآورد. بر خلاف ادعاهای پوچ رسانه‌های دست‌راستی، آزادی آسانژ نه حاصل «سال‌ها کشمکش و تصمیم‌ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا»، که بلاواسطه نتیجه مبارزات و اعتراضات گسترده و جهانی بشریت آزادیخواه است که امروز دفاع از مردم فلسطین را به دفاع از آسانژ پیوند زده است. جنبش قدرتمند جهانی که آسانژ امروز بر شانه‌های آن ایستاده است مجال سرکوب و شکنجه بیشتر وی توسط دولت‌های غربی و دستگاه‌های قضایی آنها را نداد و مجبورشان کرد که تن به آزادی آسانژ دهند.

آزادی آسانژ اعلام کیفرخواست جنبشی بود که پشت قهرمانان و پیشروان خود ایستاده است و برای رسیدن به پیروزی به آنها نیاز دارد. این جنبش به وسعت جهان است و در همین مقیاس هم هزاران آسانژ روی سکو نشاندۀ است. امروز هیچ درجه‌ای از سانسور، تفتیش عقاید، تنبیه، بازجویی و شکنجه رهبران و فعالین این جنبش قادر به مهار حقیقت و مبارزه برای آزادی و خوشبختی بشر و لگام زدن به میلیتاریسم و جنگ‌طلبی نیست.

شکست سیاسی، اخلاقی و ایدئولوژیک نظام کاپیتالیستی حاکم بر جهان امروز با قمار تخریب خاورانه، جنگ در اوکراین، نسل‌کشی در غزه و با بستن دهان شهروندان جبران نمی‌شود. ... صفحه ۲



شهر قصه! اجرای جدید! در حاشیه «انتخابات ریاست جمهوری ایران»

ثریا شهابی

اگر تئاتر «شهر قصه»، اثر معروف بیژن مفید را که حدود شصت سال قبل تولید و نمایش داده شد را ندیده‌اید، ابتدا آن را ببینید و سپس به صحنه نمایشات کمپین‌های انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران، نگاهی بیندازید! نمایشی که قرار است فردا (نه‌ایا علیه برجام و رفتار با آمریکا و اروپا) که «مکانیزم ماشه» آن علیه جامعه ایران بکار بیفتد! امیدوارند که آن را به سلامت از سرگذرانند! همه تبلیغات انتخاباتی و هیاهوی مضحک حول و حوش آن، تنها و تنها برای گذراندن «به سلامت» این جابجایی در صفوف خودشان است. نمایش «شهر قصه» امروز حاکمیت در ایران، پس از شصت سال، بسیار از نسخه اولی آن تماشایی‌تر و مضحک‌تر است. ... صفحه ۲

دو ایران! دو سوی دو جدال کارگری و ضدکارگری

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری و بازار وسیع دستگاه پروپاگاندا حکومتی برای جلب توجه مردم ایران به این مضحکه و تلاش جناح‌ها و جریان‌های حکومتی، کارگران پروژه ای صنعت نفت وارد اعتصابی وسیع شده‌اند. بر اساس اخبار منتشر شده این اعتصاب که روز چهارشنبه ۳۰ خرداد از تعدادی از کارگاه‌ها و مراکز نفتی شروع شد به تدریج دامنه آن به دهها مرکز کشیده شد و حدود ۲۰ هزار کارگر را وارد اعتصابی متحدانه کرد. کارگران اعتصابی خواهان افزایش دستمزدها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت با سقف ۸ ساعت کار در روز، حذف پیمانکاران و قرار دادهای سفید و همزمان بهبود ایمنی محیط کار و امکانات بهداشتی و خوابگاه‌ها و ... شدند. کارگران از قبل بارها به کارفرمایان و دولت اخطار داده بودند که در صورت عدم رسیدگی به مطالبات روشن آنها دست به اعتصاب می‌زنند.

درست در چنین شرایطی که طبقه کارگر در ایران و نیروی کارکن جامعه از نفت و گاز و پتروشیمی‌ها در صفوف معلم و پرستار و بازنشسته، تا صفوف زنان و نسل جوان آزادیخواه برای رفاه و آزادی در جدال است، منابع رسمی در ایران و خارج کشور می‌نویسند که: «ایران در تسخیر رقابت‌های «انتخاباتی» چهاردهمین دوره ریاست جمهوری ایران، همایش‌های انتخاباتی شش‌نامزدی است که «تحریم‌ها و تنگناهای معیشتی، حجاب اجباری، موانع دسترسی به اینترنت و مشکلات فرهنگی» کانون بحث‌هایشان است!» این منابع تنها یک ایران را منعکس میکنند.

منابع کمپ راست در اپوزیسیون و بنگاه‌های سیاسی و رسانه‌ای آنها هم، پایه پای بازار گرمی رسانه‌های حکومتی، مشغول «کمپین تحریم انتخابات» و بازار گرمی برای فروش پروژه «بهشت» ساقط شده سلطنتی است. ص ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

بازار فروش این نمایش، در سطح رسانه های رسمی داخل و خارج از کشور از «صدا و سیما» و «ایسنا» تا «بی بی سی فارسی»، چنان داغ است که اگر کسی بخواهد از این تئاتر سرخی به واقعیات پیدا کند، باید بعنوان انتخابات همانقدر آن را جدی بگیرد که مراسم «شهرقصه» بیژن مفید جدی بود!

در حالی که اکثریت جامعه در فضای رسانه های اجتماعی و کوچه و خیابانها، تک به تک و همگی شان را به سخره میگیرند و با انزجار بدرقه شان میکنند! درحالیکه هر یک کلمه ای که «کاندیداهای» ریاست جمهوری در دفاع یا افشاگری از هم میگویند، تولید انبوهی جوک و فکاهی بدنبال دارد! در حالیکه مردم، از کارگر و بازنشسته و پرستار و معلم و بیکار و زن و جوان و .. با اعتراضات، تجمعات، اعتصابات و رفتار و گفتار و کردارشان، هرروز فساد و گندیدگی شان را زیر فشار توقعات شان، برای معیشت، رفاه و آزادی برملا میکنند! در حالیکه انتخابات پشت انتخابات جامعه بطور تسلسل صحنه انفجارات اعتراضی است، این نمایش بشکل مضحکی موقعیت خفت بار و ذلیل این «سرکردگان» و این «ممتازان» را منعکس میکند. اما انعکاس این واقعیت، موضوع رسانه های رسمی و دولتی نیست! رسانه های رسمی امروز، دنیاهایی را می سازند که «شهر قصه» بیژن مفید نزد آن جزیره ای خوش آب و هوا است! صحبت از رسانه های بی اعتبار حکومتی و بیت رهبری و صدا و سیما و .. در ایران نیست!

بی بی سی فارسی گوی سبقت را از همه ربوده است. این رسانه چنان با آب و تاب گزارش زنده و لحظه به لحظه رقابت ها را منعکس میکند که گویا «خاله سوسکه» نمایش بیژن مفید در شرف «عروس» شدن است!

می نویسد: «نامزدهای ریاست جمهوری آخرین روز کارزار انتخاباتی خود را در پیش دارند. مهلت رسمی تبلیغات انتخاباتی در ساعت ۸ صبح پنجشنبه (به وقت تهران) به پایان می رسد. ستادهای انتخاباتی دو نامزد اصلی اصول گرا، یعنی سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف تاکید دارند که هیچ یک از آنها به نفع دیگری کناره گیری نخواهد کرد. زاکانی، یکی از چهار نامزد طیف اصول گرا تاکید کرده است که انصراف نخواهد داد! «آن دفعه شهید رئیسی بود که من کنار رفتم». پورمحمدی نیز گفته است که به نفع نامزد دیگری کنار نمی رود! و مزخرفات آنها را بعنوان وعده منعکس میکند که: یکی دلسوز کارگر است و دیگری طرفدار حق زن و دیگری درک کننده مشکل جوانان و دانشجویمان و یکی حتی برای مرگ مهسا امینی اشک ریخت! روز شمار و لحظه به لحظه گزارش بی بی سی از این نمایش، روی هر شعبده بازی را سفید کرده است. به مشتاقان میلیونی در ایران «مژده» میدهد که نگران نباشند چرا که در دقیقه صفر «علیرضا زاکانی از نامزدی ریاست جمهوری انصراف داد! و پیش از علیرضا زاکانی، امیرحسین قاضی زاده هاشمی نیز در ساعات پایانی تبلیغات انتخاباتی از نامزدی انصراف داد.»

تلاش برای بردن دل مقام معظم و تولید ملات برای رفتن به بازار رقابت خانوادگی بین اصلاح طلب قراضه و اصولگرا سرگردان برای خرید «طرفدار» را، کمپین های سیاسی در انتخابات ایران قلمداد میکنند! و این صحنه به نحو عجیبی انسان را بیاد فعالیت های خرس رمال و روباه مکار، میمون مطرب و .. در مراسم خواستگاری از خاله سوسکه، در «شهرقصه» بیژن مفید میاندازد.

شل کردن سر خزانه حکومتی و شخصی، «ریخت و پاش» و از سر گرسنگی، کشاندن میلیون ها نفر به مراسم حقارت بار «غذیر» و بر سر «سفره های اطعام رضوی، سفره های عسوی» و از این راه گرفتن وعده رفتن پای صندوق های رای و ... را به حساب «انتخابات»

گذاشتن، شعبده بازی است از جنس همان شعبده بازی «خرس رمال» در نسخه اولیه «شهر قصه»! این گرسنگان بارها و بارها بر سرشان شوریده اند و خواهند شورید! مهم نیست چه تعدادی از آنها و با چه درجه فشار فقر و بیکاری و زندان و .. به پای صندوق ها کشیده شوند یا نه!

این نمایش و مضحکه، تولیدی است برای خودشان و جابجایی رل ها و «ماسک» ها در «شهرقصه» و بین خودشان! تا با وساطت مقام معظم بلکه خاله سوسکه عروس یکی از آنها شود. برای هر ناظر بی طرفی که اندکی به حقایق سیاسی جامعه ایران واقف باشد، برای هر رسانه ای که کمی وجدان ژورنالیستی داشته باشد، برای هر محقق و گزارشگر منصفی، این صحنه همه چیز هست غیر از مراسمی مربوط به مردم، مربوط به کارگر، زن، جوان، بازنشسته و معلم و اکثریت هشتاد میلیونی مردم در ایران. امروز در ایران، کل گردانندگان این مضحکه زیر ضرب فشار اعتصابات شکوهمند کارگری و بخصوص اعتصابات کارگران نفت که هرروز گسترده تر میشود، آرامش ندارند. در این بنگاه های خبری این ایران، ایران مردم و ایران کارگری، ایران نیروی کار و ایران زنان بپاخواسته، یا اساسا وجود ندارد یا با هر خبر و گزارشی، حول آن خروارها تن دروغ تولید میشود.

نتیجه این مضحکه هر چه که باشد، فردای پس از آن تغییری در جامعه، تغییری در رابطه حکومت و مردم نخواهد کرد! رابطه مردم و حکومت، جامعه و نظام، توازن و تغییر در آن، نه در این نمایشان مسخره جابجایی صندلی ها بین مشتی انگل، که در قدرت مردمی تعیین و تکلیف میشود! دراعتصاب کارگر نفت و هفت تپه و هپکو و پتروشیمی و .. در اعتراضات بازنشستگان، معلمان، دانشجویمان، تحرک انقلابی زنان، معلوم میشود. تجربه ده ساله گذشته این واقعیت را به روشنی نشان داده است.

خیزش بعدی پشت در است! خودشان بارها و بارها اعلام کرده اند. این واقعیت در هیچیک از این رسانه های دولتی، در ایران و در خارج از کشور، منعکس نمی شود. اما امروز دیگر این رسانه ها نیستند که به افکار عمومی و جهت گیری های مردمی در سراسر جهان، شکل میدهند.

در جهان امروز، از لندن تا تهران و نیویورک و پاریس و برلین، خوشبختانه این رسانه های رسمی و دولتی نیستند که چون دهه های گذشته میتوانستند به سادگی مغزشویی کنند و بنجل ترین محصولات سیاسی و فرهنگی را بعنوان «انتخاب مردم» با فشار پول و پروپاگاندا و اسلحه و زور، دیکتاتوری یا دموکراسی، به مردم تحمیل کنند.

بشریت متمدن امروز دنیا را توسط این بناگاهها و مافیاهای سیاسی قضاوت نمی کند! میدانند در ایران چه خبر است! همطور که میدانند در غزه چه خبر است!

ایران امروز توسط پایین، توسط طبقه کارگر، توسط زنان، جوانان، دانشجویمان، پرستاران، بیکاران، و کارکنان و نیروی مولد، تعیین و تکلیف میشود. این انتخابات هم میگذرد. فردای آن، هر «خرس رمالی» جای قبلی بنشینند، از منظر جامعه و مردم در ایران، تنها ماسک ها عوض شده است.

کارگران کمونیست!
حزب ما، سنگر اتحاد و
تشکل حزب شماست.
حزب را از آن خود کنید!

هر دو این منابع تنها یک ایران را منعکس میکنند. ایرانی که در آن اول و آخر انسان بودن، تعلق به اقلیت میکروسکوپی و انگلی است که صاحب ثروت و سرمایه است! ایرانی که در آن کسانی که به خاطر پول و قرار داشتن در مقام قدرت تصمیم گیری برای اکثریت عظیم انسانهای کارکن، بین خودشان صندلی هایی عوض میکنند، «مراسمی» برگزار میکنند، و یا وعده برگزاری «انتخاب های» بهتری چون «بهشت» سقوط کرده میدهند!

این تنها یک سوی جدال سیاسی، طبقاتی و تبلیغاتی است که در جامعه ایران، میان لایه های مختلف بورژوازی در جریان است. جدالی تبلیغاتی که نه بر سر این و آن سیاست و «رویکرد»، که بر سر بود و نبود نظام، نه فقط جمهوری اسلامی، که بعلاوه و مهمتر بر سر بقا نظام کاپیتالیستی ایران است!

در همین مقطع ایران دیگری در جدال برای ساختن آینده ای انسانی برای کل جامعه، است. ایران کارگری! ایران کارکنان! ایران نیروی کار! ایران جوان بیکار، ایران کارگر نفت، گاز، پتروشیمی ها، فولاد، معادن و هفت تپه، بازنشستگان، پرستاران، معلمان، جوانان، زنان و مردانی که به فقر و بی حقوقی و بی حرمتی هر روز نه میگویند! ایرانی که برای مراسم جابه جایی صندلی ها میان دشمنانش در قدرت، نه تنها پیشیزی ارزش قائل نیست، که بارگاه و مضحکه انتخابات شان را زیر ضرب حضور قدرتمند خود، با خواست و اقدام عملی خود، به لرزه درآورده است.

اعتصاب قدرتمند کارگران پروژه ای صنعت نفت که با خواستهای معیشتی، رفاهی، دستمزد، بهبود شرایط کار و قراردادهای .. در جریان است! مستقل از اینکه هر مقام مضحک حکومتی بخواهد با آن عکس بگیرد و برای رقابت با رقبای آن بازار گرمی بکند یا نکند! از هر کانال قانونی و غیرقانونی از آن استفاده بکنند یا نکنند! یک قدرت نمایی کامل، مستقل و برابری طلبانه طبقه کارگر ایران است! این اعتصاب مستقل از جایگاه ارزشمند آن در جنبش طبقه کارگر علیه نظام کاپیتالیستی، مستقل از برداشتن پرچمی متحد و مهم برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط زندگی، جایگاه آن در بحبوحه تبلیغات کر کننده «انتخاباتی» حاکمیت و جناحها و رسانه های آنها، بیان خواست عمیق اکثریت عظیمی از جامعه است که دنیای دیگری را در تصویر خود دارد و برای آن روی پای خود میکوشد.

مختصات این جدال را از کارگر نفت بشنوید که با آموخته های رهبران، سازماندهندگان و عناصر سوسیالیست خود، تحت هدایت طیفی از پیشروان خود، که نه تنها فجایی که فقر و بیکاری بر سر طبقه اش میآورد را میداند، طیفی که نه تنها اهمیت اعتصاب را میدانند و به آن شکل داده است، که جایگاه قدرت خود را به دشمنان خود بر صندلی های حاکمیت هم نشان میدهد!

حمایت همه جانبه و عملی از اعتصاب کارگران در نفت، شکل دادن به تجمعات حمایتی به هر شکل ممکن و بر افراشتن پرچم آزادی و

برابری در این تجمعات نیاز طبقه و جنبش برابری طلبانه ما در این شرایط و در دل مضحکه انتخابات دشمنان ماست.

اگر ایران آینده ای بخواهد که سفید، مرفه، شاد، برابر و انسانی باشد، ناچار است که سوسیالیستی و کارگری باشد. و این در گروه اتحاد و پیوند رهبران و پیشروان طبقه کارگر، بخصوص در مراکز اصلی صنعتی و تا صف بازنشستگان تا بیکاران، و ... فراتر از یک صنعت و یک کارخانه و یک منطقه و محل های کار است. شکل دادن به شبکه به هم پیوسته و سراسری از پیشروان در تمام صنایع و محل های کار در ایران، شبکه ای که نقش تشکیک سراسری طبقه کارگر ایران را ایفا کند و در جدال های پیش رو کل طبقه کارگر را نمایندگی کند، ممکن است. این امر بیش از همه در گرو اقدام خود رهبران و سازماندهندگان این اعتصابات و اعتراضات و در گرو ایفای نقش مهم تاریخی و متحد کننده کمونیستهای این طبقه است.

زنده باد قدرت کارگری

زنده باد سوسیالیسم

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۵ تیر ۱۴۰۳ - ۲۵ ژوئن ۲۰۲۴

ما می خواهیم به تبعیض و ستم جنسی و

قوانین و آیین پشت آن خاتمه داده شود.

ما خواهان جامعه ای برابر و آزاد هستیم که

برابری زن و مرد بطور قطع تامین و تضمین

شود. بیگمان چنین جامعه ای مستلزم هشیاری

و دخالت زنان و مردان کارگر و زحمتکش و

طبقات پایین جامعه است. خاتمه دادن به ستم

طبقاتی و تبعیض و تجاوز به حقوق زنان به

سازمان های طبقاتی و اجتماعی توده ای نیاز

دارد.

رهایی زن رهایی جامعه

فی خورد. امروز بر همگان روشن شده است که سی میلیون آواره جنگی در خاورمیانه از آغاز حمله ارتش آمریکا و متحدینش به افغانستان، عراق و سوریه تا نسل کشی گسترده ای که امروز توسط دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین در غزه اعمال می شود، محصول همین نظم حاکم بر جهان ماست و به درست برای تغییر آن در سراسر جهان به میدان آمده است.

آزادی آسانژ همچون دستگیری و ربودنش، جز یک شکست مفتضحانه دیگر برای دولت آمریکا و دول غربی نیست؛ این یک پیروزی استراتژیک برای جنبش جهانی است که یکی از مهمترین گروگان های خود را از چنگ دشمن آزاد کرد و در اعدانامه خود خواهان لغو بی قید و شرط «دیپلماسی مخفی و پشت پرده» دولت ها و تثبیت نوع خاصی از حقیقت و آزادی است: «آزادی دسترسی همگان به اطلاعات و حقیقت»!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

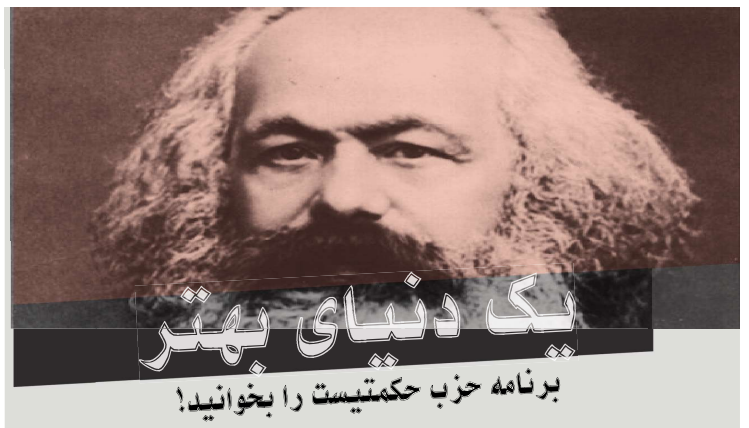
۲۵ ژوئن ۲۰۲۴

آزادی جولیان آسانژ...

آسانژ سمبل دفاع جامعه بشری از نوع خاصی از آزادی و حقیقت است: «آزادی دسترسی همگان به اطلاعات و حقیقت»! وی دو دهه پیش با افشاء جنایات جنگی دولت آمریکا در حمله نظامی به افغانستان و عراق، بیرون کشیدن حقیقت از زیر آوار تحریف و دروغ پراکنی دولت های غربی از بلندگوهای رسانه های اصلی آنها، سد عظیمی را شکست و بدین خاطر مورد احترام و حمایت صف میلیونی بشریت آزادیخواه و ضد جنگ در گردهمایی ها و تظاهرات های گسترده در سطح جهان پیرامون دفاع از مردم فلسطین، واقع شد. آسانژ جرقه بیداری ذهن شهروند جوامع غربی از رخوت دهه نود میلادی به این سو است. پریودی که به «نظم نوین جهانی» و لشکرکشی های عظیم نظامی دولت آمریکا و متحدینش بقصد تنبیه بشریت توسط تخریب و قلدری و جنگ در جهان لقب گرفت. امروز دیگر کسی گول تبلیغات رسانه های جنگی و بلندگوهای تولید خرافات و دروغ پراکنی دولت های بوژیایی را

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس به ابزاری های ارتقا و شکستن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسان های سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.



پخش برنامه های نینا از کانال یک

برنامه های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

27500 عمودی 12073

Eutelsat W3A

22000 افقی 10721

hekmatist.com

تماس با حزب

➔ @Hekmatistx
دبیر خانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی